

بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی دیوان نامی کرمانشاهی

سیدجعفر عزیزی، محمدابراهیم مالمیر*، غلامرضا سالمیان

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

آذر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۹، صفحات ۱۶۳-۱۸۹

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۵۹۶

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: میرزاحمد نامی کرمانشاهی از شاعران نامدار قرن سیزدهم است. در این جستار کوشش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که چه مواردی باعث بروز خصوصیات شعری در سبک او شده است؟ بررسی سبکی و محتوایی دیوان شاعر بر اساس نسخ موجود از سه منظر فکری، زبانی و ادبی هدف این مقاله بوده است.

روش مطالعه: در نگارش این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: با بررسی دیوان نامی کرمانشاهی میتوان به این ویژگیها بعنوان خصایص شعری در سبک او اشاره کرد: ۱- ویژگیهای بارز زبانی: الف-ویژگیهای آوایی: عدم تنوع وزنی، لغزشهای وزنی، کثرت اشعار بدون ردیف نسبت به اشعار مردف در تمامی قالبها به استثنای غزلیات، توجه و بهره‌گیری از آرایه‌های بدیع لفظی. ب-ویژگیهای واژگانی: کثرت واژه‌های عربی، بهره‌گیری از لغات عامیانه، واژه‌سازی و ترکیب‌سازی، استفاده از واژه‌های امروزی. ج-ویژگیهای نحوی: عدم تطابق نهاد و فعل، افعال کهن، دو حرف اضافه برای یک متمم، حروف اضافه قدیمی، مطابقت صفت و موصوف. ۲-ویژگیهای بارز ادبی: انواع جناس، انواع تکرار، مراعات النظیر، متناقض‌نما، تمثیل، تلمیح، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. ۳-ویژگیهای بارز فکری: مفاهیم و آموزه‌های قرآن و حدیث، عرفان معتدل، مدح، مرتبه و توصیف، اصطلاحات و باورهای نجومی، اصطلاحات مربوط به موسیقی، تعابیر علمی، بیماریها.

نتیجه‌گیری: پنج نسخه خطی از دیوان ایشان شناسایی شده است که مبنای بررسی در این جستار بوده‌اند. دیوان او شامل قصاید، غزلیات، قطعات، ماده‌تاریخها، رباعیات و دو مثنوی و یک ترجیع‌بند است. بکارگیری صنایع ادبی و خلق تصاویر زنده و شاعرانه از ویژگیهای کلی اشعار اوست. جز چند مورد، توجه زیادی به قافیه، مخصوصاً قافیه‌های طولانی ندارد. ارادت او به خاندان اهل بیت (ع) در بیشتر اشعارش دیده میشود.

تاریخ دریافت: ۱۱ مهر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۳ آبان ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۴ آبان ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۵ دی ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نامی کرمانشاهی، دیوان اشعار، تحلیل سبکی و محتوایی

* نویسنده مسئول:

✉ dr_maalmir@razi.ac.ir
☎ ۳۴۲۷۷۶۰۵ (۸۳ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The study of style and content in the manuscript of Nami Kermanshahi's Divan

S.J. Azizi, M. Ibrahim Malmir*, Gh. Salemian

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۲ October ۲۰۲۱
 Reviewed: ۰۴ November ۲۰۲۱
 Revised: ۱۵ November ۲۰۲۱
 Accepted: ۰۵ January ۲۰۲۲

KEYWORDS

Nami Kermanshahi, Divan,
 Literary Return Period,
 Literary style and content

*Corresponding Author

dr_maalmir@razi.ac.ir

(+۹۸ ۸۳) ۳۴۲۷۷۶۰۵




ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mirza Mohammad Nami Kermanshahi is one of the renowned poets of the ۱۲th Century. In this essay, an attempt has been made to answer the question: What has caused the presence of figures of speech in his style? The study of style and content in the poet's divan from the three intellectual, lingual, and literary aspects based on the existing scripts was the methodology of the essay. **METHODOLOGY:** An analytical-descriptive method has been used in writing this essay.

FINDINGS: By reviewing Nami Kermanshahi's divan, we can point out these prominent poetic features in his style. ۱- Significant Lingual Features: A) Phonetic Features The lack of metric variety, metric slips, a greater frequency of poems without Radif than those with Radif in all used forms except for Ghazal, and a tendency to use literal figures of speech. B) Lexical Features: Frequency of Arabic words, exploitation of colloquial words, formation of words and composition, exploitation of modern words. C) Syntactic Features Subject-verb disagreement, ancient verbs, two prepositions for one complement, noun-adjective agreement. ۲- Significant Literary Features: Types of alliteration, types of repetition, schemes of balance, paradox, allegory, allusion, simile, metaphor, trope, and irony. ۳- Significant intellectual features: The concepts and teachings of Quran and Hadith, moderate mysticism, eulogy, lamentation and description, astronomical expressions and beliefs, music-related expressions, academic interpretations, diseases.

CONCLUSION: Five manuscripts of his divan have been identified that were the source material of this essay. His divan includes qaside, ghazals, qet'e, Chronograms, rubáiyát, two masnavis, and one tarji'band. The exploitation of figures of speech and the creation of vivid and poetic images are among the general features of his poems. Except for a few cases, he does not pay much attention to rhyme, especially the long ones. His fondness for the members of Ahl al-Bayt is visible in most of his poems.

DOI: [1۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,7097](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.7097)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۳	 ۱۴	 ۲

مقدمه

این مقاله به بررسی نسخه خطی یکی از شاعران ناشناخته قرن سیزدهم و مکتب ادبی بازگشت میپردازد تا از این راه جایگاه ادبی وی را نشان دهد. نامش میرزامحمد و در اصل استرآبادی (مقدم، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۸۷) و «از اجله شعرای عهد بوده و مداحی حکام آن بلد را مینموده» (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۲: بخش سوم: ۱۶۰۱). وی «از احفاد میرزا مهدی خان، منشی نادرشاه افشار، است. پدرش در کرمانشاهان وطن گرفته و تولدش آنجا اتفاق افتاده و از شعرا و ادبا بل اساتید عصر خود است و در حکومت محمدعلی میرزای دولتشاه در حدود عراق و کرمانشاهان بالاستحقاق مرجع و ملجأ و رئیس ادبا و شعرا بل فضلا بوده است» (دیوان بیگی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۸۴۳). به تأیید دیوان بیگی شیرازی «اشعارش همه خوب و حسن عمده‌اش این که بیشتر در محامد و مدایح معصومین -سلام الله علیهم - میباشد» (همانجا). دیوان بیگی در زمان توقفش در کرمانشاه دو نسخه از اشعار او را دیده است. به ادعای او یکی از شاگردانش تصرفاتی در یکی از نسخ انجام داده است و اغلب آن را به نام خود کرده است و البته ذکر کرده است که بعد از آنکه این نسخه را نزد ایشان آورده‌اند، مشخص شده است که از او نیست. نسخه دیگری هم که از او بدست آورده است، ناتمام و قصایدش تا آخر حرف «میم» و غزلیاتش تا آخر «نون» و اینها بعلاوه مثنویها و رباعیها بیشتر از پنج هزار بیت بوده است. دیوان بیگی در کتاب خود، مرگ نامی را ۱۳۲۸ هجری قمری ذکر کرده است (همان: ۱۸۴۴).

ضرورت و سابقه پژوهش

در معرفی «نامی کرمانشاهی» جز مختصری در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی (۲۵۶۶/۳) و مجلس (۳۹۱/۱/۲۷:۱۳۷۶) کاری صورت نگرفته است و تذکره‌نویسانی چون دیوان بیگی شیرازی (۱۳۶۶) و شاکری (۱۳۳۸) نیز از او به اختصار یاد کرده‌اند. مقدم (۱۳۹۲، ج ۱: ۴۸۷) نیز همان مطالب مختصر دیوان بیگی را بازنویسی کرده است. دیوان نامی کرمانشاهی را نیز تا کنون کسی تصحیح و چاپ نکرده است و در نتیجه، کار حاضر دارای پیشینه نیست و برای اولین بار صورت میگیرد.

بسیاری از متون ارزشمند کهن به دلایل متعدد از جمله نبود صنعت چاپ، ناآگاهی از علم ویراستاری، کمبود ناسخان معتهد، بلایای طبیعی (موریانه‌خوردگی، کهنگی و پوسیدگی، آتشسوزی، سیل و...) حوادث انسانی (جنگ، غارت، انگیزه‌های سیاسی یا مذهبی) از بین رفته‌اند یا کامل به دست آیندگان نرسیده‌اند. در این راستا یکی از وظایف آیندگان و دانشگاهیان، جمع‌آوری این نسخ خطی و تصحیح آنهاست. اشعار نامی کرمانشاهی یکی از این میراث‌های کهن است که آیینهای از زیست اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ادبی روزگاران گذشته است. اهمیت این موضوع، نگارندگان را برآن داشت تا به بررسی ویژگیهای سبکی و محتوایی این دیوان، که هنوز به زبور طبع آراسته نشده است، بپردازد.

بحث و بررسی: ویژگیهای نسخ و سبک اشعار نامی کرمانشاهی

بررسی نسخ دیوان نامی کرمانشاهی

از دیوان نامی کرمانشاهی برای نگارش این مقاله از پنج نسخه شناسایی شده استفاده شده است که بترتیب عبارتند از:

۱- نسخه شماره ۳۲۹۷۲ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (کم) به خط نستعلیق که ظاهراً به خط خود نامی است.

۲- نسخه متعلق به آقای ارسلان فرهنگ (اف) که این نسخه نیز به خط نستعلیق و ظاهراً به خط نامی کرمانشاهی است.

۳- نسخه شماره ۲۶۲۸ کتابخانه ملی تبریز (مت) که به خط نستعلیق و مجدول است. (سیدیونسی-هاشمیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ص ۶۷۶)

۴- نسخه کتابخانه میبدی (می) به خط هادی صادقپور متخلص به ارفع در ۲۴+۸۸۴ صفحه.

۵- نسخه متعلق به آقای پاکسرشت که در آخر آن آمده است «الواثق بالله عبد اسمعیل تمام شد.» و مهری دارد که تاریخ ۱۳:۲۰ را داشته است.

البته نسخه‌های نیز به شماره ۸۱۷۳/۲۶۰ در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی وجود دارد که فقط یک صفحه از دیوان نامی را در صفحه ۸۷۳ خود دارد.

بخشی از اشعار نامی را شاگردش به نام «امید» بسرقت برده و به نام خود با ابیاتی اضافه و کم نوشته است و متأسفانه باعث اشتباه مرحوم رضاقلی‌خان هدایت شده است و او را شاعرتر از نامی معرفی کرده‌اند! (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۲: بخش اول، ۲۱۹-۲۱۸). این اشعار در نسخه خطی مدایح معتمدیه موجود است که ما برای مطابقت به نسخه شماره ۱۱۹۲ کتابخانه مجلس، صص ۸۶-۸۷ و نسخه شماره ۵-۲۰۵۶ کتابخانه ملی، ص ۱۰۲ مراجعه کرده‌ایم.

ویژگیهای نگارشی، املائی و رسم الخطی نسخه‌ها: این ویژگیها را در دو دسته تقسیم کرده‌ایم: با توجه به این نکته که تنها رسم الخط دو نسخه از نسخ پنج‌گانه مورد استفاده، رسم الخط و ویژگیهای خاص دارند و سه نسخه دیگر یا مثل نسخه به خط آقای ارفع به رسم الخط امروزی و فاقد ویژگی خاص است یا مانند نسخه «کم» به خط مؤلف یا عیناً استنساخ از آن است که نیاز به بررسی جداگانه ندارند!

مشترکات دو نسخه «کم» و «مت»

افتادن برخی از حروف مثل «داد» = «دارد»، «فکا» = «فگار»، «اغوان» = «ارغوان»، «آزو» = «آرزو»، «اصل» = «واصل»، «کیما» = «کیمیا»، «ایون» = «ایوان».

در اکثر موارد کلمات مختوم به هاء بدل از کسره در هنگام جمع با «ها»، هاء بدل از کسره حذف شده و نیامده است. مثل: «ریزه‌های» = «ریزه‌های»، «عقد‌های» = «عقد‌های»، «دانه‌ها» = «دانه‌ها»، «حجرهای» = «حجره‌های».

در نسخه «مت» در اغلب موارد و در «کم» در برخی موارد «ب» و «ن» بر سر افعال بصورت «به» و «نه» آمده است مثل: «به بخشی» = «ببخشی»، «نه گفت» = «نگفت»، «نه گنجد» = «نگنجد».

تقریباً در همه موارد، در کلمات مختوم به «ه(ه) بدل از کسره»، قبل از حرف میانجی «گ»، «ه(ه)» حذف نشده است. مانند: «زنده‌گانی»، «بنده‌گیت»، «دیده‌گان»، «همه‌گی».

در برخی موارد فعلهای مرکب مختوم به «ه»، بدون «ه» آمده است مثل: «رسید است» = «رسیده است»، «نمود است»، «آمد است»، «افکند است».

غالباً در آخر واژگان «ای» بصورت «ه» آمده است مثل: «چشمه» = «چشمه‌ای»، «شیهه» = «شیهه‌ای»، «پیشه» = «پیشه‌ای».

در بسیاری از موارد روی کلماتی که نقطه ندارند، نقطه گذاشته شده است مثل: «ظول»=«طول»، «شیاهی»=«سیاهی»، «شکش»=«سگش»، «خاز»=«خار».

در برخی موارد نقطه کلمات گذاشته نشده است مثل: «احسام»=«اجسام»، «میخ»=«میخ»، «زهی»=«زهی»، «رح»=«رخ»، «نوحطان»=«نوحطان».

گاهی نقطه‌ها جابجا آمده است مثل: «ناخج»=«ناجخ»، «طراوب»=«طراوت».

در اغلب موارد دو نقطه به جای یک نقطه آمده است مثل: «التیاس»=«التباس»، «یه»=«به»، «تعاج»=«عجاج»، «دلیر»=«دلبر».

در «مت» در اکثر موارد و در «کم» در برخی موارد حروف همصدا به جای هم آمده‌اند مثل: «منغار»=«منقار»، «غوت»=«قوت»، «تغزیر»=«تقریر»، «وقا»=«وغا»، «اقوا»=«اغوا».

بجهت رسم الخط عربی در همه موارد حروف فارسی «پ»، «ج»، «ز» و «گ» بصورت «ب»، «ج»، «ز» و «ک» نوشته شده‌اند. مثل «ناپدید»=«ناپدید»، «سبرغم»=«سپرغم»، «پیش»=«پیش»، «جنگ»=«جنگ»، «جین»=«چین»، «جرند»=«چرند»، «مرک»=«مرگ».

در برخی موارد ضمه بصورت «و» آمده است. مثل: «خورسندی»=«خرسندی».

گاهی «چه» به کلمه بعد چسبیده است مثل: «چکند»، «چسان»، «چگوید».

در برخی موارد «الف بلند» بصورت «الف مقصوره» آمده است مثل: «دنی»=«دنیا».

در برخی موارد دو «الف» بجای یک «الف» آمده است مثل: «بالاستحقاق»=«بالاستحقاق»، «بالاستقلال»=«الاسرار»، «الان».

در برخی موارد واژه‌های مجزا بهم چسبیده است مثل: «آنشاه»=«آن شاه»، «روانگشت»=«روان گشت»، «رویخوب»=«روی خوب».

در نسخه «مت» در برخی موارد و در «کم» بندرت «ه» بجای «ت» آمده است مثل: «نجاه»=«قیمه»، «یاقوه»=«جهه»، «توراه».

در «کم» در همه موارد و در «مت» در اغلب موارد «به» به اول کلمات چسبیده است مثل: «باوج»=«به اوج»، «بخرمن»، «بآینی».

در «مت» در اغلب موارد و در «کم» بندرت «یک» به کلمه بعد چسبیده است مثل: «یکخروش»، «یکچند»، «یکپا»، «یکسر».

در «مت» گاهی و در «کم» غالباً «ی» بجای «بی» آمده است مثل: «توی»=«تویی»، «رعنای»=«رعنایی».

در «مت» در بیشتر موارد و در «کم» در برخی موارد «ئی» بجای «بی» آمده است. مثل: «نمائی»=«نمایی»، «توئی».

در نسخه «مت» اکثراً و در نسخه «کم» غالباً «چو» و «همچو» بصورت «چه» و «همچه» آمده است.

«تعالی» بصورت «تعا» نوشته شده است.

در کلمات مختوم به «ت» هنگام افزودن «تر» با «ت» حذف می‌شود. مثل: «سختتر»=«سختتر».

ویژگیهای اختصاصی نسخه «مت»

در اغلب موارد شکل فعلها و بندرت اسمها را بهم ریخته است مثل: «نه‌بی‌ند»=«نبینند»، «پی‌چید»=«پی‌چد»،

«به‌نفسه»=«بنفسه».

در برخی موارد «الف مقصوره» را بشکل «الف بلند» نوشته است. مثل: «لا فتا»=«لا فتی»، «هل اتا»، «مصطفا». در اکثر موارد «ئو» بجای «ؤ» و «أ» آمده است مثل: «مئوالف»=«مؤالف»، «مئوا»=«مأوا». بندرت «ئو» بجای «و» آمده است مثل: «مئوظفند»=«موظفند». در برخی موارد «وا» بجای «الف» آمده است مثل: «خواطر»=«خاطر»، «خواست»=«خاسته»، «خواموش»=«خاموش».

در برخی موارد بجای دو نقطه، یک نقطه گذاشته است مثل: «اختر»=«اختر»، «سبف»=«سیف»، «اشقر»=«اشقر». در برخی موارد در جایی که احتیاج به ضمه نیست، ضمه آمده است مثل: «فکنده»=«فکنده»، «طلعت». در برخی موارد «ایی» بجای «یی» آمده است مثل: «توایی»=«تویی». در اغلب موارد حرف «الف» را بصورت «آ» نوشته است مثل: «خندان»=«خندان»، «آزآری»، «پیرآنه».

ویژگیهای اختصاصی نسخه «کم»

در برخی موارد «ه» آخر برخی کلمات در هنگام ترکیب حذف شده است مثل: «نهمچو»=«نه همچو»/ «همجا»=«همه جا». در برخی موارد «پایه» بصورت «پاییه» آمده است. در برخی موارد «و» را بصورت ضمه نوشته است مثل: «نهان یوسف خور شد بر سر افکند» در برخی موارد ضمیر ملکی بصورت مجزا از کلمه آمده است: «سامریش»=«سامریش».

بررسی ویژگیهای سبک اشعار دیوان نامی کرمانشاهی

ویژگی زبانی

سطح زبانی مقوله گسترده‌ای است؛ بنابراین آن را به سه سطح کوچکتر: آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میکنند. ویژگیهای آوایی: در این سطح که به آن سطح موسیقایی هم گفته میشود، به بررسی موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (جایگاه ردیف و قافیه) و موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی و معنوی) میپردازیم. موسیقی بیرونی: دیوان نامی کرمانشاهی مجموعه‌ای است از قصاید، قطعات، ماده‌تاریخها، ترجیع‌بند، مثنویها، غزلیات، رباعیها و دوبیتیها که فراوانی و بسامد آنها در جدول ذیل نشان داده شده است:

نوع شعر	غزل	قصیده	ماده- تاریخ	قطعه	رباعی	مثنوی	دوبیتی	ترجیع- بند
تعداد	۲۶۰	۵۷	۳۱	۲۰	۱۷	۲	۲	۱
درصد	۶۷/۰۱	۱۴/۶۹	۷/۹۸	۵/۱۵	۴/۳۸	٪۴۱	۰/۲۰	۰/۱۸

فراوانی و بسامد اوزانی که نامی از آن استفاده کرده به این شکل است:

بحر								قالب	
کامل	متقارب	رجز	منسرح	خفیف	مضارع	مجتث	هزج		
	۱	۱	۴	۱۰	۷	۱۳	۱۰	۱۷	قصیده
	۱			۸	۴	۶	۴	۱۶	قطعه
۱		۵	۵	۱۶	۳۲	۳۰	۸۴	۹۷	غزل
							۱	۲	مثنوی
							۱		ترجیع بند
							۱۷		رباعی
								۲	دوبیتی
۱	۲	۶	۹	۳۴	۴۳	۴۹	۱۱۷	۱۳۴	جمع

موسیقی کناری: قافیه و ردیف

از بررسی ۵۷ قصیده دیوان نامی قافیه و ردیف را در جدول ذیل میتوان نشان داد:

مردّف		مقفّی		تعداد	قالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۲۶/۳۲	۱۵	۷۳/۶۸	۴۲	۵۷	قصیده

بسامد قافیه و ردیف در ۲۰ قطعه او در جدول ذیل آمده است:

مردّف		مقفّی		تعداد	قالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۴۵	۹	۵۵	۱۱	۲۰	قطعه

نامی ماده تاریخها را در قالبهای قصیده، قطعه، رباعی، دوبیتی و مثنوی سروده است که بسامد قافیه و ردیف آنها در جدول ذیل آمده است:

مردّف		مقفّی		تعداد	قالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۹/۵۳	۲	۹۰/۴۷	۱۹	۲۱	قطعه
۳۳/۳۴		۶۶/۶۶		۶	قصیده
		۱۰۰	۲	۲	دوبیتی
۱۰۰	۱			۱	رباعی
				۱	مثنوی

بسامد قافیه و ردیف در ۲۶۰ غزل او بشکل ابیات است:

مردّف		مقفّی		تعداد	قالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۸۷/۷۰	۲۲۸	۱۲/۳۰	۳۲	۲۶۰	غزل

بسامد قافیه و ردیف در دو مثنوی وی بشکل ذیل است:

ابیات مردّف		ابیات مقفّی		تعداد ابیات	تعداد	قالب
درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۲۵/۶۰	۵۴	۷۴/۴۰	۱۵۷	۲۱۱	۲	مثنوی

کاشفی گوید: «اگر مصراع سوم نیز مقفّی باشد، آن را رباعی مصرّع گویند و اگر مصرع سوم بی قافیه باشد، آن را خصی خوانند» (کاشفی، ۱۳۶۹: ۷۲). بسامد قافیه‌ها و ردیفهای ۱۷ رباعی وی بشکل ذیل است:

مردّف		مقفّی		مصرّع		تعداد	قالب
درصد	تعداد بند	درصد	تعداد بند	درصد	تعداد		
۷۰/۵۸	۱۲	۲۹/۴۲	۵	۱۱/۷۶	۲	۱۷	رباعی

موسیقی درونی: آرایه‌های بدیع لفظی و مواردی را که باعث ایجاد موسیقی درونی در یک شعر میشوند در این بخش مورد بررسی قرار میدهیم:

تجنیس: شاعر هم در جایگاه قافیه و هم در واژه‌های پیش از قافیه انواع جناس تام (مماثل، مستوفی، مرکب مقرون، مرکب مفروق، مرفوّ، ملقّق) و ناقص اختلافی (حرکتی، حروفی، افزایشی، اشتقاقی، شکلی، ترتیبی و ترکیبی) را بکار برده است که از هر مورد یک مثال ذکر میشود.

جناس تام

جناس تام مماثل

از خط حکمت نیارد سر فروپیچد تنی کامده حکمت به ملک تن، روان، همچون روان

جناس تام مستوفی

باد ضد آتش آمد آب تا اندر جهان باد خضم خاک باشد باد تا در روزگار

جناس تام مرکب مقرون

آن ظفرمندی که خصمانش ز روباهان کمند شیر گردون را کمند او به دام اندر کشد

جناس تام مرکب مفروق

تو را هرآن که مسلّم به دلبری داند
 مرا ز دلبری تو، ز دل بری داند

جناس تام مرفوّ
 دل پی توصیف تو معمور از دادآور است
 دل پی توصیف تو دستور از داور گرفت

جناس تام ملفّق
 راست پنداری که از برگ شکوفه آورید
 شاخ مرواریدبار، از ابر مروارید، بار

جناس تام					
نوع	مماثل	مستوفی	مقرون	مفروق	ملفق
درصد	۴۹	۱۲	۱۹	۱۲	۸

جناس ناقص اختلافی

جناس ناقص حرکتی
 جناس محرّف

گر ز مدح خَلق او گفתי سخن
 گر ز باد خَلق او جستی شمیم

جناس مغایر

عید نوروز به ما مَحْرَم غم
 بی تو چون ماه مُحْرَم گذرد

جناس ناقص حروفی

جناس مضارع

نی برآید زَر ز خاک و نی بخیزد دُر ز بحر
 نی بزاید مُل ز تاک و نی بروید گُل ز خار

جناس لاحق

ز قصرش که با ساق عرش است هم‌شأن
 ز قدرش که با طاق چرخ است همسر

جناس مطمّع

رفعت از قدر تو، چرخ و پرتو از رای تو، مهر
 نکهت از خَلق تو، خُلد و بخشش از طبع تو، کان

جناس ناقص افزایشی

جناس مردوف

به جنب کوه وقارت به صد هزار شکوه
 سبکتر است ز مثقال، کوههای ثقیل

جناس مکتنف

تا گشت رام رایض حکم تو توسنش گردون ز طوق حکم تو گردن نمیکشد

جناس مذال

وی ز نثره نثر رنگین تو را در رتبه، عار ای ز شعرا شعر شیرین تو را در پایه ننگ

جناس متوج

نسسناس را سپهر شناسد ز نوع ناس گر با تو خصم، لاف تقابل زند چه باک

جناس مزید:

کرده درمان به زر هزاران بار آن که بیمار فقر را گه جود

جناس مذیل

کرد گرد سُم یکران تو را در مِکحل از پی روشنی چشم کواکب گردون

جناس ناقص شکلی

جناس شکلی اشتقاقی

جناس اشتقاق

به شهر نیست بدیلت ز دلبران ملاج به دهر نیست عدیلت ز شاهدان ملیح

جناس شبه‌اشتقاق

تا شحنه عدالت و دادت زمان گرفت تا مؤده حمایت و حفظت زمین شنید

جناس شکلی نوشتاری (خط)

ای گل چه کرده‌ام که مرا خار میکنی خوارم برای خاطر اغیار میکنی

جناس شکلی خوانشی (لفظ)

نه میل گشت باغ و نه سر سیر چمن دارم فراق روی و کوی یار دارد سیر دلتنگم

جناس شکلی تصحیفی (مصحف)

رخش تازند دلیران به هم، افواج افواج تیغ یازند امیران به هم، احزاب احزاب

جناس ناقص ترتیبی

جناس قلب تام

قمریان هر اوان به ناله زار

بلبلان هر زمان به نغمه راز

جناس قلب بعض

حُسن رُخش رونق زُهره ازهر شکست

شاهد عذرا عذار، جلوه‌گری ساز کرد

جناس ناقص ترکیبی

جناس معتل (معتل)

شد جلیس صعوه، باز و شد شفیق مور، مار

شد انیس بره، گرگ و شد رفیق گور، شیر

جناس مشوش

وحشتش از دست برد، دستة خنجر شکست

با تو به خنجر عدو، خواست کند دست برد

جناس ناقص اختلافی							
شکلی	ترکیبی	ترتیبی	اشتقاقی	افزایشی	حروفی	حرکتی	نوع
۸	۱۴	۱۲	۱۷	۱۷	۱۵	۱۷	درصد

تکرار:

۱- تکرار واج (واج آرایی):

الف- هم‌حروفی:

همچو خط سبیز و لعل سرخ یار دلستان

سبزه اندر بوستان و غنچه اندر شاخسار

تکرار صامت «س» در این بیت بخوبی فضای لطیفی را که شعر بدنبال تصویر آن بوده، تداعی نموده است.

ب- هم‌آوایی:

میکنند آن، کآفتاب و ماه با لعل و کتان

لطف او با نیکخواه و قهر او با بدسگال

تکرار مصوت بلند (ا) راستی و علو درجه ممدوح را بزبایی بتصویر میکشد.

۲- تکرار واژه:

که به ما رو نهاد اختر ما

ماه ما رو به ما نهاد مگر

۳- تکریر:

به گلشن رشته رشته داد گوهر، ابر نیسانی

به بستان طبله طبله داد عنبر، باد نروزی

۴- رد الصدرالی العجز:

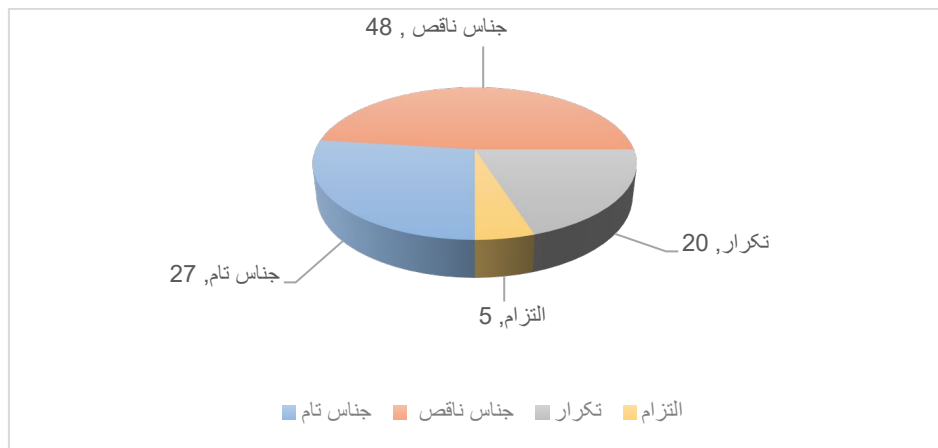
آیام فکنده دورم از تو فریاد ز جور دور آیام

۵-رد العجز الی الصدر:

از قضای آسمان شد عشق ما را سرنوشت
ما چسان نامی که کوی یار بر بندیم بار
کی برآید با قضای آسمان تدبیر ما
زانکه خاک کوی او گردیده دامنگیر ما

التزام: نامی در یک قصیده، آوردن عناصر اربعه را در تمام ابیات رعایت کرده است:

باد نوروژی وزید و گشت از خاک آشکار
آتش گُل، گُل گُل از باد صبا تا برفروخت
لاله سیراب چون رخسار آتشناک یار
خاکیان را آمد آبی دم به دم بر روی کار...



سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها: لغات بیگانه، بویژه لغات عربی، لغات کهن فارسی و بطور کلی نشانه‌های کهنگی زبان در سطح لغوی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های عربی: بسامد واژه‌های عربی در قصاید اصلاً قابل مقایسه با دیگر قالبها نیست! در بخش قصاید، چه در قوافی و چه در متن شعر، از واژه‌های عربی فراوانی استفاده می‌کند و البته فقط در سطح واژه نمانده و از بسیاری از اصطلاحات و جملات نیز بهره برده است:

به جستجوی وصال توام شهور و سنین
به گفتگوی جمال توام صَباح و رَواح

در میان خوبرویان دیدمش
گفتمش: لا خَيْرَ إِلَّا فِي الْوَسَطِ

هست قهرت لطیف و مهر لطیف
كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الظَّرِيفِ ظَرِيفٌ

به آستان تو اقبال کرد منزل و گفت: نَزَلْتُ خَيْرَ مَقَامٍ وَجَدْتُ حُسْنَ مَأَبٍ

نیز: ماحی افساد؛ حامی اصلاح؛ عَذْبُ الْمَقَالِ؛ رَطْبُ اللِّسَانِ؛ جَاءَ الطَّفَرُ؛ أَيْنَ الْمَقَرِّ.

واژه‌های عامیانه: هر چند شاعران دوره بازگشت از بکار بردن واژه‌های عامیانه ابایی نداشته‌اند، در دیوان نامی این مؤلفه بسیار اندک و محدود است:

دل به مهر یار بستم، یَلِّیِ وز علایق جمله رستم، یَلِّیِ

واژه‌سازی: یکی از راههای ساختن اسم مصدر یا حاصل مصدر اضافه کردن «ش» به آخر بن مضارع است (نواز+ش). در یک مورد نامی خلاف نرم معمول از اسم+ش استفاده میکند و واژه «ثنایش» را میسازد که مسبوق به سابقه نیست!

شها! ثنایش تو آیدم کجا به قلم؟ شها! ثنایش تو گنجدم کجا به بیان؟
که از ثنایش تو آمده زبان، قاصر که از ستایش تو آمده گمان، حیران

در موردی دیگر شاعر جمع «رُمح» را «رُمُوح» ذکر میکند که برخلاف شکل معمول آن یعنی «رماح» و به تبعیت از «سُیُوف» آن را ساخته است:

به خون سواران سُیُوف مَهَنَدَ به گرد ستوران رموح مُجَوَّهَر

کاربرد «مهند» به معنای هندی و «مجوهر» به معنای جواهرنشان نیز قابل تأمل است.

واژه‌های امروزی: تنها یک بار از تفنگ و متعلقات آن نام برده است:

لوحش الله ازین گزیده تفنگ کاژدهانعره است و رعداهنگ
... اوستادی که بست قنداقش بست بر چوب، دست اهل فرنگ
... بهر کوری دیده اعدا سنبه اوست گاه جنگ، خدنگ
... نه گلوله بود که در دل او عقده‌ای باشد از جهان دورنگ

تخفیف و تشدید واژه‌ها: یکی از مواردی که در دیوان نامی چشمگیر است، مشدد تلفظ کردن واژه‌ها و برعکس آن به ضرورت وزن است:

قوت بازوی سبّاح خیال خرده‌بین گشته در پَریدن دریای مدحت، ناتوان

خصم و ولی را سربسر، آید همان از تو به سر کز مهر آید بر گهر، وز مه به کتان آمده

ترکیب‌سازی: این بخش بیشتر در «منادا»ها اتفاق افتاده است و شاعر اغلب ممدوح خود را با ترکیباتی کمتر دیده شده مورد خطاب قرار داده است:

انجم‌حشما! سپهرقدرا ای جود کفت به خلق، رازق

نیز: جهان‌بانا؛ ملائک‌پاسبانا؛ عرش‌ایوانا! بندگان‌امیدگاها؛ جهان‌پناه‌امیرا؛ سپهررتبه‌امیرا؛ ستاره‌سپاه.

واژه‌های امروزی	واژه‌سازی	ترکیب سازی	واژه‌های عامیانه	تخفیف و تشدید واژه‌ها	واژه‌های عربی	نوع درصد
۲	۳	۷	۱۲	۱۴	۶۲	

سطح نحوی

عدم تطابق نهاد و فعل: یکی از مواردی که در دیوان نامی مشاهده میشود بیتوجهی به تطابق نهاد و فعل است:
شیاطین و اعدای از شهاب تیر تو گردد گریزان همچو از تیر شهاب، افواج شیطانی

نهاد (شیاطین و اعدای و افواج شیطانی) جمع هستند درحالی‌که فعل (گریزان گردد) مفرد است!
دهد نرگس و غنچه و نارون دهد سنبل و سبزه و ارغوان
ز چشم و لب و قدّ دلبر، خبر ز زلف و خط و خدّ جانان، نشان

نرگس و غنچه و نارون (نهاد جمع)، خبر و نشان دهد (فعل مفرد) است.

افعال قدیمی

«شد» در معنای «رفت»:

هرکجا شد، ز لاشه نخجیر کرد صحرا و کوه را یکسان

استفاده از «ی» شرط بعد از فعل:

اگر نه از پی دفع عدوی اوی بودی پدید تا به ابد نامدی ز کان، شمشیر

میگفتمی درین غم عظمی بود شریک بودی بری اگر نه ز غم، عالم آفرین

کهن‌واژه‌ها:

دل شد مقید، دید چون، خال لب جانانه را ناچار در دام اوفتد، چون مرغ بیند دانه را

اوستادی که بست قنداقش بست بر چوب، دست اهل فرنگ

نی گشاید بال، آن یک در هوا بر صید این نی گذارد گام، این یک در زمین بر قصد آن

حروف اضافه:

دو حرف اضافه برای یک متمم:

آن نرگس شاداب نظر کن به سر شاخ چون دیده دلدار نماید به نظر بر

حرف اضافه قدمایی:

«نامی» رسید وقت دعا نزد کردگار بردار از برای دعا دست التماس

نوع	عدم تطابق نهاد و فعل	استعمال صورت عربی کلمات	افعال قدیمی	کهن واژه‌ها	حروف اضافه
درصد	۳۴	۳۱	۱۵	۱۲	۸

سطح ادبی

بزارهای بیانی، صنایع بدیع معنوی و مسائل مهم علم معانی در این سطح بررسی میشود.

تشبیه

تشبیه بلیغ:

ز تأثیر دعای یوسف باد بهاری شد زلیخای جهان پیرانه‌سر، بار دگر برنا

نیز: یوسف خور؛ زلیخای گردون؛ مسیح باد؛ مسیح غنچه؛ موسی گلبن؛ مریم گلبن؛ جبرئیل باد؛ مریم فکر؛ عیسی گفته؛ فرعون ظلمت؛ رستم خور؛ دیو شب؛ سلیمان سحر؛ شمع زرین بیضا؛ شمع سیمین اختر؛ زاغ مرصع پر شب؛ زاغ سیمین جناح شب؛ بط مه؛ نهنگ مهر.

تشبیه تفضیل:

دور گل عارضت دمیده خط بر صفت بنفشه تر
نی نی! غلطم، گیاه صحرا نسبت شود از کجا به عنبر

نتوان داد به مه عارض او را نسبت زانکه با عارض او، ماه کم از پروین است

ندارد سرو من «نامی» به سرو بوستان نسبت که غیر از قد رعنا، سرو من رفتار هم دارد

تشبیه مرکب:

عارض او را عرق‌آلوده هرکس دید، گفت:
نیست بر گل پرده‌های غنچه، میدانی که چیست؟
قطرهای چند بر گل از گلاب افتاده است
گل ز شرم عارض او، در حجاب افتاده است

تشبیه ملفوف:

پیکر او زردرنگ و چهره او تیره‌گون
همچو روی عاشقان و همچو گیسوی نگار

تشبیه مفروق:

هر سوار نامداری، حمله چون ضیغم برد
هر ستور راهواری، قتره چون صرصر زند

تشبیه جمع:

زیر رانت ابرش آتش‌نهاد باد تک
همچو برق، آشنشان؛ چون آب، تند و پرشتاب
آب جولان خاک تمکین، دشتپیما راهوار
همچو صرصر، بادپا؛ چون خاک، نرم و بردبار

تشبیه تسویه:

از پی بزم نوالش فلک مینایی
هست خوانی که در آن مهر و مه آمد دو کُماج

تصویر آفرینی: همانند بسیاری از شاعران کلاسیک، نامی کرمانشاهی نیز برای تصویرآفرینی از گلها و گیاهان و صور فلکی بهره برده است و بجز مواردی نادر، به عناصر محیطی ویژه عصر خود مانند «تفنگ» توجهی نداشته است.

دمی که خیره شود چشم خور ز برق حسام
گهی که خیره شود روی مه ز دود تفنگ...

ویژگی ظاهری گلها:

دور گل عارضت دمیده
خط بر صفت بنفشه تر

بردمیده سبزه از طرف گلستان، آنچنانک
خط ز گرد عارض مهطلعان سر برکشد

اینگونه تشبیهات را «تشبیه معکوس یا مقلوب» میخوانند؛ چنانکه گفته‌اند: «تشبیه معکوس به تشبیهی اطلاق میشود که در آن مشبه را بر مشبه به ترجیح و تفضیل نهند» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۴۸).

ستارگان و صور فلکی:

بر بام برآمد آن مه سیم‌اندام
چون آن رخ و قد به بام دیدم، گفتم:
چون بر لب بام آسمان، ماه تمام
مه بر سر سرو و سرو بین بر لب بام

هلال نیست، که بهر قبول طاعت تو فلک گذاشته بر چشم، بنده‌وار، انگشت

نامی در این بیت با استفاده از اجرام آسمانی و صنعت «حسن تعلیل» تصویری شاعرانه خلق کرده است.

استعاره:

صبح که جیش حبش خسرو خاور شکست	لشکر یاجوج را تیغ سکندر شکست
خازن گنج فلک، گشت جواهرفشان	قیمت لؤلؤ بکاست، رونق گوهر شکست
چهره نمود آشکار شحنة صبح از افق	بر سر خمار چرخ، این همه ساغر شکست
باد سحرگه وزید، قطره شبنم چکید	لاله احمر دمید، زینت عبهر شکست
باز سفید از افق، بال ز هم بازکرد	زاغ سیه بال و پر از طیران پر شکست
بانوی هندی‌نسب مقنعه بر سر فکند	شاهد رومی‌نژاد، پرده ز رخ برشکست
شاخد عذراعذار جلوه‌گری ساز کرد	حسن رخس رونق زهره ازهر شکست
مملکت هند را پادشه چین گرفت	جیش شه زنگ را خسرو خاور شکست

جیش حبش، لشکر یاجوج، زاغ سیه، بانوی هندی‌نسب، مملکت هند، جیش شه زنگ=شب و ظلمت شب؛ خسرو خاور، تیغ سکندر، خازن گنج فلک، شحنة صبح، لاله احمر، شاهد عذرا عذار، پادشه چین=خورشید؛ جواهر=انوار خورشید؛ لؤلؤ، گوهر، ساغر=ستارگان؛ قطره شبنم، عبهر=ماه؛ باز سفید=روشنی صبح؛ شاهد رومی‌نژاد=روز.

چون کف شاه حبش از ماه نو خنجر گرفت	کشور آفاق را از خسرو خاور گرفت
کرد بر تخت مرصع تا مکان سلطان زنگ	از سر دارای خاور زرقشان افسر گرفت
کرد ازین سیمین قفس پرواز چون باز سفید	زاغ ظلمت بیضه زرین به زیر پر گرفت
شد درین دُرچ شبه‌گون لعل احمر چون نهان	روی این دریای اخضر را بسی گوهر گرفت
شاهد خاور به بر، کافورگون کسوت درید	تا عروس زنگ بر سر قیرگون معجر گرفت
از گل حمرا تهی گردید چون باغ جهان	روی این خضراچمن از سوسن و عبهر گرفت
چون عروس شرق پا در حجله مغرب نهاد	جا بسی لعبت درین فیروزه‌گون منظر گرفت
غوطه‌ور چون گشت دردریای خون زرین نهنگ	ماهی سیمین مکان در بحر پهناور گرفت
جام زرین چون ز دست ساقی گردون فتاد	شاهد آفاق بر کف سیمگون ساغر گرفت

کنایه:

کنایه از فعل یا مصدر:

ای که بستندی میان، نزدت به رسم بندگی گر به عهدهت زنده بودندی ملوک باستان

میان بستن کنایه از آماده شدن برای کاری.

کنایه از صفت:

ز سست‌مهری آن سختدل، عیانم شد که هرکه سختدل افتاد، سست‌پیوند است

«سختدل» صفتی است که از آن متوجه صفت دیگری (بیرحم) میشویم.

زاهد خودبین اگر بیند دهان و روی تو چشم از جنت بپوشد، چشم از کوثر کشد

کنایه از موصوف:

نوخطان خطّه فرخار و خَلج منفعل از رخ خوبان نیکومنظر کرمان شهان

گردن گردن‌کشان بازویش آرد در کمند چون دل عاشق که در زلف سیه، دلبر کشد

هرگاه «وصف اسمی را بگوییم و از آن خود اسم را اراده کنیم» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۹۴). در اینجا گردنکش وصف «پهلوان» است که بجای آن آمده است.

اغراق:

تیغ مردان، برق بس بر صفحه غبرا فشاند خیرگی از برق آن، چشم خور رخشنده یافت
نعل اسپان، گرد بس از توده اغبر گرفت تیرگی از گرد این، روی مه انور گرفت

ایهام:

ایهام تناسب:

هستند عندلیبان تو از هر طرف، هزار اما چون یکی به گلشن تو عندلیب نیست

بکند جور و جفا یا بکند مهر و وفا آنچه آن خسرو خوبان بکند، شیرین است

ایهام تبادر:

نیست اندر پیش من مانند آن گل، کس عزیز لیک چون من هم کسی در پیش آن گل خوار نیست

ایهام خوانشی (چندگونه‌خوانی): یعنی «واژه یا عبارتی را بتوان به چند گونه درست خواند و از هر خواندن معنایی برداشت» (راستگو، ۱۳۷۰: ۵۲):

از مهر بیار رخ به سویم دور از رخ خویش، حال من بین

(۱) بخاطر دوری از رخ تو. (۲) از رخ تو دور باد.

لف و نشر:

مرتب:

چو تشنگان به فرات و پیادگان به حرم به روی و کوی تو، چشم و دل آرزومند است

مشوش:

با تو و بی تو اگر در گلشن و گلخن روم با تو گلخن، گلشن است و بی تو گلشن، گلخن است

حرف‌گرایی: «یعنی تشبیه به شکل و موقعیت حروف الفبا. این مورد در بدیع سنتی اسمی ندارد و بسیار مورد توجه قدما بوده است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۸۳).

ای خم شده قدسرو موزون پیش الف قد تو، چون نون

بود به صفحه روی تو آن دو زلف، دو لام که آن دو لام به زیبایی تو آمده دال

تلمیح: در بررسی دیوان نامی کرمانشاهی میتوان این صنعت را، که بسیار مورد علاقه او نیز میباشد، در چند حوزه تقسیم‌بندی کرد؛ از جمله: تلمیحات غنایی، حکمی، اساطیری و دینی-قرآنی.

الف-تلمیح به قهرمانان داستانهای غنایی و حکمی:

هوا از ابر شد گریان، بسان دیده وامق زمین از غنچه شد خندان، بسان چهره عذرا

چمن چون بزم خسرو آمده، گل چون رخ شیرین بود در نغمه‌سازی بلبل شیدا نکیسا سا

ب-تلمیحات اساطیری: این تلمیحات را میتوان به چند دسته تقسیم نمود: (۱) اشخاص: شخصیت‌های شاهنامه مانند زال، رستم (۲) موجودات و مکانهای مخصوص: مانند عنقا و روئین‌دز.

تلمیح اشخاص: این صنعت به دو شکل در دیوان نامی آمده است: الف: بعنوان مقایسه با ممدوح در موقعیتهای مختلف:

شعله تیغش بسوزد پیکر افراسیاب چوبه تیرش بدوزد دیده اسفندیار

با یک نظاره از دل حاتم قرار برد با یک اشاره از تن رستم، توان گرفت

تلمیح به موجودات ویژه:

به قاف قرب اگر میل آشیان بودت ز چشم مردم گیتی، نهان چو عنقا باش

لرزه‌ها از نعل آن یک، حصن روئین‌دز بدید رعشه‌ها از ضرب این یک، سد اسکندر گرفت

گشاده‌ام به میان محله دگانی که بلکه امر معاشم به رو رود زین باب
 به آن حواله بیجا کنند از دیوان کرم نما و مرا در معاف آن دریاب
 اگر به لطف به نامی رقم کنی رقمی بود معاون لطف تو ایزد وهاب

البته شاعر پا را فراتر میگذارد و در یکی از غزلیاتش نیز، که همگی عاشقانه هستند، به مدح «دولت‌شاه» میپردازد. نکته قابل توجه در این غزل این است که تنها غزلی است که تعداد ابیات آن از هفت بیت تجاوز میکند و با توجه به ویژگی‌های سرایش شعر در دیوانش همانند آوردن ابیات تکراری، خط زدن برخی ابیات و تغییر آن در شعر جدید و حتی نوشتن قصیده‌ای از خاقانی در ضمن دیوانش، بعید نیست شاعر قصد داشته قصیده‌ای بسراید که به هر دلیلی آن را کامل نکرده است و ما تنها ابیات «تغزل» و پایانی آن را در اختیار داریم:

گویا گذشت «نامی» از آن زلف مشکبار بیهوده مشکبار نسیم صبا نبود
 یک شب نبود کز گهر اشک، دامم چون دست جود داور دریا سخا نبود
 دولت‌شاه آن که غیر پرستندگی او مقصود ز آفرینش ارض و سما نبود

مفاخره:

به بوستان هنر آن درخت بارورم که میخورند بر، اهل هنر ز شاخ و برم
 من آن همای همایون‌فرم که گاه عروج فضای هفت سپهر است زیر بال و پر
 مجاوران فلک را به وهم، همراز مسافران جهان را به فکر، همسفرم
 به پای وهم به فرق ستاره در تازم به بال فکر، ز فوق سپهر درگذرم

عشق: عشق همواره جایگاه والایی در ادبیات سرزمین ما داشته است. نامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. تجلی این عشق در تنها ترجیع‌بند وی، که از نظر وزنی شبیه به ترجیع‌بند معروف سعدی است، و در غزلیاتش، که از نظر وزن، انتخاب قوافی و بسامد واژه‌های پرتکرار و امدار سعدی و حافظ است، نمود پیدا کرده است. بطور کلی جایگاه معشوق در غزلهای او همان جایگاه معشوق در غزلهای سبک عراقی است و نمیتوانیم بگوییم سبک شخصی دارد. معشوق موجودی آرمانی و بیوفاست که شاعر سگ کوی محبوب بودن را افتخار میداند:

به تو جور و جفا آموخت استاد به ما آموخت چون مهر و وفا را

شاید که طعمه سگ او گردد ای اجل در کوی او فکن پس مرگ، استخوان ما

عرفان: بنظر میرسد عرفان در دیوان نامی در سطح ظاهری مانده و نگاه عارفانه‌اش تقلیدی از تفکرات حافظانه است. در اشعار نامی به تفاوت عارف و زاهد پرداخته شده است. زاهد بی‌بصیرت است و خودبین و ریاکار. او هم مثل حافظ، علم عشق را برتر میداند. گاهی نیز اشاراتی به اهمیت پیر و وحدت وجود عارفانه و سلطنت گوشه‌نشینان دارد. فراموشی خود برای رسیدن به دوست، دوری از نام و ننگ، وحدت، دوری از کبر و ریا، آزادی از تعلق، استغنا

معشوق، غنیمت دم، ترجیح باده و جام بر کوثر و جنان، اسارت در دنیا، تجلی روی محبوب در همه جا از موضوعات مورد تأکید نامی است و اصطلاحات خاص عرفانی را در اشعار خود با بسامد بالایی بکار برده است.

نیست زاهد را بصیرت، ورنه نزد عارفان در میان دیر و کعبه، اینقدر توفیر نیست

نیست گشتم تا که هستی یافتم نیست، آخر کرد هستم، یللی

هر قدم مرحله عشق، خطرها دارد قطع این مرحله، بی راهنما نتوان کرد

اگر مرد رهی، یکباره بگذر از سر دنیا که باشد سوزنی پابند در تجرید، عیسی را

نیز اصطلاحاتی چون مرید؛ خراب و خراباتی؛ می وحدت؛ مست و باده حقیقت؛ شراب شوق؛ صوفی؛ شاهد غیب؛ قاف و عنقا؛ راه طلب؛ خضر راه؛ جذبه؛ محبت؛ علم عشق.

اصطلاحات سایر علوم

اصطلاحات و آلات موسیقی:

دمی که مطریه بزم تو نوازد چنگ سزد که زهره فروافکند ز چنگ، رباب

نیز اصطلاحاتی چون مطربان؛ مضمار؛ طنبور و تار؛ نای و کوس؛ لحن باربد؛ رود؛ زیر و بم؛ آهنگ نکیسا.

اصطلاحات و ابزار جنگی:

به هدیه نزد تو آورده اند گاه طعان به تحفه پیش تو آورده اند وقت ضراب

کمند، کاهکشان؛ خود، مهر و تیغ، هلال سنان، سماک و زره، انجم و خدنگ، شهاب

نامی تنها آنجا که ماده تاریخی برای ساختن تفنگ سروده، از ابزار و اصطلاحات جنگی زمان خود استفاده کرده است ولی همواره از اصطلاحات و ابزار جنگی قدیم مانند آنچه در شاهنامه فردوسی وجود دارد نام برده است.

به قرپوشش یکی گرز گرانسنگ ز کوهی، کوه دیگر گشته آونگ

به قربانش، کمانی چون مه عید قران با قوس گویی کرده خورشید

به فتراکش، کمندی پیچ در پیچ جو زلف یار، صیدش جان، دگر هیچ

اصطلاحات و باورهای نجومی:

چارمادر و هفت آبا:

نیارد در دو گیتی یک خلف همچون تو در بخشش / کشد گر چار مادر را قضا در عقد هفت آبا

تأثیر ماه و خورشید بر کتان و گوهر:

همواره تا که آمده کتانگداز، ماه / پیوسته تا که هست گهرپرور، آفتاب

اسطرلاب:

عیان در آیینۀ روی تو است روی جهان / چنانکه شکل فلک در برنج اسطرلاب

نیز اصطلاحاتی چون: نثره و شعرا؛ نحس و سعد؛ کاهکشان؛ سماک رامح و اعزل؛ شهاب؛ تیر؛ زحل؛ مشتری؛ مریخ؛ زهره؛ نسر طایر؛ سها؛ جوزا؛ برجیس؛ بهرام؛ قوس؛ ناهید؛ قمر؛ شفق؛ خط شعاع؛ منشی آسمان؛ دبیر فلک؛ گاو زمین؛ شیر فلک؛ گاو فلک؛ مجره؛ سمک فلک.

اصطلاحات و واژه‌های مربوط به بیماریها

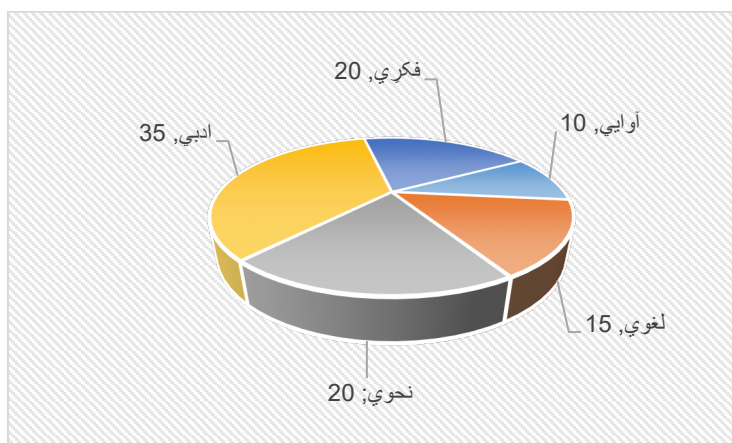
فرنجک:

از هیاهوی سوار و از تکاپوی ستور / چرخ را گیرد فرنجک، ارض را گیرد دوار

حناق:

دیده از هیبت آن یک، گلوی نای، حناق / جسته از سطوت این یک، دهن جام، کزاز

نوع	مدح و نعت	مفاخره	عشق	عرفان	اصطلاحات علمی
درصد	۳۵	۱۵	۱۰	۳۰	۱۰



نتیجه گیری

ویژگیهای زبانی شعر نصرت در حیطه آوایی، لغوی و نحوی به این شرح است: ویژگیهای آوایی: تنوع طلبی و طبع آزمایی در اغلب اوزان و بحور و کثرت استفاده از ردیف در غزلها نسبت به دیگر قالبهای شعری و بهره گیری از بیشترین آرایه های بدیع لفظی (تجنیس، تکرار و...). ویژگیهای واژگانی: استفاده از واژه های عربی بویژه در قصاید، استعمال واژه های عامیانه، واژه سازی، ترکیب سازی، تخفیف و تشدید واژه ها به ضرورت وزن. ویژگیهای نحوی: عدم تطابق نهاد و فعل، کاربرد افعال قدیمی، مطابقت صفت و موصوف، کاربرد کهن واژه ها، حروف اضافه قدمایی و دوحرف اضافه برای یک متمم. ویژگیهای ادبی: صور بلاغی و بیانی، صنایع بدیع معنوی و مسائل مهم علم معانی کاربرد چشمگیری در دیوان نامی کرمانشاهی دارند.

ویژگیهای فکری: بارزترین ویژگی فکری شاعر، ارادت او به خاندان عصمت و طهارت است. عشق با رویکرد شاعران سبک عراقی به معشوق، عرفان معتدل در حد بهره گیری از اصطلاحات و واژه ها و بنوعی تکرار رویکرد فکری حافظ البته در سطح مدح حاکمان روزگار، مفاخره، اعتراض به نشناخته شدن جایگاه خود، ساختن تعداد زیادی ماده تاریخ در تاریخ عصر خود که از ویژگیها و تنوع قابل تأملی برخوردارند و توجه به علوم زمانه و استفاده از واژه های مربوط به آنها از دیگر موارد قابل توجه در این سطح است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه استخراج شده است. آقای دکتر محمدابراهیم مالمیر راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. آقای سیدجعفر عزیزی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. آقای دکتر غلامرضا سالمیان به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Azraqi Heravi. (۱۹۱۸). *Divan*, Edited by Sa'eed Nafisi, Tehran: Zavvar, p.۵۰.
- Divan-Beygi Shirazi, A. (۱۹۸۸). *The Garden of Poets*, Edited by Abd al-Hussein Nava'i, Tehran: Zarrin.v.۳. p. ۱۸۴۳.
- Hedayat, R. (۲۰۰۴). *Majma' Al-Fusha, Correction of the manifestations of Musfa*, Tehran: AmirKabir.v۲/۱. pp.۲۱۸-۲۱۹.v۲/۳. pp.۱۶۰۲.
- Kashefi, M. (۱۹۹۱). *Badi' Al-Afkar fi Sani' Al-Asha'ir*, Mirjalal-Din Kazazi, Tehran: Center publication. p.۹۱.
- Moqaddam, M. (۲۰۱۴). *Ethrevrinan, Estrabad and Gorgan (Estan Golestan)*, Tehran: a book published. v.۱. p.۴۸۷.
- Nami Kermanshahi, *Divan*, handwritten copy of the book, Khanna Mibdi. -Nami Kermanshahi, *Divan*, handwritten copy, copy of Shamara ۲۶۲۸, book of Milli Tabriz.
- Nami Kermanshahi, *Divan*, Handwritten version of Shamara ۳۲۹۷۲, Sazman Isnad and Book of Milli Iran.
- Rastgu, M. (۱۹۹۲). *Eham Dor Persian poetry, Ma'aref*, N.۲۲, pp.۸۳-۳۷.
- Seyyeda Nasafi. (۲۰۰۴). *Hassan Rahbari's Diwan of Correction*, Tehran: Al-Huda. p.۴۲۸.
- Seyyed Yonesi, M. (۲۰۱۵). *the index of this copy of the book, the Markazi of Tabriz, and Yarash Hadi Hashemian*, Tabriz: Sotoudeh.
- Shakeri, B. (۱۹۶۰). *Memorized by a summary of my poems Kermanshah*, Kermanshah: Sa'adat.
- Shamisa, S. (۱۹۹۸). *Negahi Taze Be Badi'*, Tehran, Ferdos. p.۸۳.
- Shamisa, S. (۲۰۰۶). *Statement and Meanings*, Tehran: Ferdos. p.۴۸, ۹۴.

فهرست منابع فارسی

- ازرقی هروی (۱۳۳۶)، دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران: زوار، ص ۵۰.
- دیوان بیگی شیرازی، احمد (۱۳۶۶)، *حدیقه الشعراء*، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: زرین، جلد ۳، ص ۱۸۴۳.
- راستگو، محمد (۱۳۷۰)، *ایهام در شعر فارسی*، معارف، شماره ۲۲، صص ۸۳-۳۷.
- سیدای نسفی (۱۳۸۲)، دیوان، تصحیح حسن رهبری، تهران: الهدی، ص ۴۲۸.
- سیدیونسف، میر ودود (۱۳۹۳)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی تبریز*، ویرایش هادی هاشمیان، تبریز: ستوده.
- شاکری، باقر (۱۳۳۸)، *تذکره مختصر شعرای کرمانشاه، کرمانشاه: سعادت*.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس، ص ۸۳.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴)، *بیان و معانی*، تهران: فردوس، ص ۴۸، ص ۹۴.
- کاشفی، ملاحسین (۱۳۶۹)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز، ص ۹۱.
- مقدم، محمدباقر (۱۳۹۲)، *اثرآفرینان استرآباد و جرجان (استان گلستان)*، تهران: کتاب نشر، جلد ۱، ص ۴۸۷.
- نامی کرمانشاهی، دیوان، نسخه خطی شماره ۳۲۹۷۲ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

نامی کرمانشاهی، دیوان، نسخه خطی کتابخانه میبدی.
نامی کرمانشاهی، دیوان، نسخه خطی شماره ۲۶۲۸ کتابخانه ملی تبریز.
هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۲)، مجمع الفصحاء، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر، ج ۲، بخش ۱، صص ۲۱۹-
۲۱۸، بخش ۳، ص ۱۶۰۲.

معرفی نویسندگان

سیدجعفر عزیزی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: sayedjafarazizi@gmail.com)
محمدابراهیم مالمیر: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: dr_maalmir@razi.ac.ir: نویسنده مسئول)
غلامرضا سالمیان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: salemian@razi.ac.ir)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Seyyed Jafar Azizi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: sayedjafarazizi@gmail.com)
Mohammad Ibrahim Malmir: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: dr_maalmir@razi.ac.ir : Author responsible)
Gholamreza Salemyan: Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: salemian@razi.ac.ir)